

معرفی و ارزیابی کتاب رویارویی سوم و جهاد اقتصادی

دکتر وحید شقاقی شهری^۱

چکیده

کتاب رویارویی سوم و جهاد اقتصادی، با محوریت مسائل اخیر کشور به نگارش در آمده است، و سیر رویارویی و هجمه‌ها علیه جمهوری اسلامی را با گذار از دوران انقلاب، و سپس جنگ تحمیلی، در جبهه رویارویی اقتصادی رصد نموده، و در صدد تبیین این رویارویی و ضرورت جهاد اقتصادی جهت مقابله با توطئه‌ها و تحریم‌های دشمن در این جبهه است. بخش اول کتاب تحت عنوان چرایی جهاد اقتصادی؛ در قالب چهار فصل که به ترتیب عبارتند از: بیداری ایرانیان و انقلاب اسلامی، بیداری دوم و انقلاب دفاعی، اصلاحات اقتصادی و انقلاب اقتصادی تنظیم شده است. بخش دوم کتاب در سه فصل، به سابقه رویارویی غرب با انقلاب اسلامی، رویارویی سوم و تشکیل مجدد جبهه انقلاب اسلامی در مواجهه با غرب، پرداخته است. در بخش سوم مولف به برنامه‌های توسعه در دولت‌های پس از انقلاب اشاره نموده؛ و اهداف و موانع پیشرفت اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و به الزامات تحقق جهاد اقتصادی اشاره نموده است. از مهم‌ترین نقد‌های وارد بر کتاب عدم بررسی مبانی حاکم بر برنامه‌های توسعه در دولت‌های پس از انقلاب و نیز ارائه برخی راهکارهای شعارگونه است

واژگان کلیدی:

جهاد اقتصادی، بیداری سوم، تحریم‌های اقتصادی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

۱ - استادیار دانشکده علوم اقتصادی تهران

مقدمه

با عنایت به گسترش ابعاد هجمه ها و تحریم ها علیه جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری جهت مقابله با تهدیدات صورت گرفته، طی سالهای اخیر نامگذاری سال ها را با محوریت اقتصاد انتخاب نموده اند؛ به گونه ای که از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ به ترتیب سال ها تحت عناوین نوآوری و شکوفایی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، نامگذاری شده اند. این عناوین نشانگر محوریت مباحث اقتصادی بوده است؛ چرا که معظم له پیش بینی نموده اند که فشارهای بین المللی عمدتاً بر حوزه اقتصاد متمرکز خواهد بود. شواهد و قراین حاکی ست این پیش بینی ها مسجل گردیده، و تحریم های اقتصادی در ابعاد مختلف، بر کشور تحمیل شده و در حال گسترش است.

در برهه کنونی کتاب رویارویی سوم و جهاد اقتصادی، با محوریت مسائل اخیر کشور به نگارش در آمده است، و سیر رویارویی و هجمه ها علیه جمهوری اسلامی را با گذار از دوران انقلاب، و سپس جنگ تحمیلی، در جبهه رویارویی اقتصادی رصد نموده، و در صدد تبیین این رویارویی و ضرورت جهاد اقتصادی جهت مقابله با توطئه ها و تحریم های دشمن در این جبهه است. کتاب در قالب پنج بخش و شانزده فصل، به انضمام معرفی و تشریح مبانی الگوی جامع توسعه اقتصادی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) تنظیم گردیده است.

هدف مقاله حاضر معرفی اجمالی و ارزیابی مطالب مندرج در کتاب است. بدین منظور ابتدا فصول شانزده گانه، معرفی، و سپس از زاویه نگاه ناظر، نقد می شود. در پایان جمع بندی از مجموع مباحث کتاب، به همراه پیشنهادات برای ویرایش های بعدی ارائه گردیده است.

معرفی و ارزیابی مباحث کتاب

معرفی بخش اول:

این بخش تحت عنوان چرایی جهاد اقتصادی؛ در قالب چهار فصل که به ترتیب عبارتند از: بیداری ایرانیان و انقلاب اسلامی، بیداری دوم و انقلاب دفاعی، اصلاحات اقتصادی و انقلاب اقتصادی تنظیم شده است.

در این بخش ضرورت‌های تحول اقتصادی و فرهنگی کشور، و نیز ضرورت جهاد اقتصادی تبیین گردیده است. در ادامه به سه دوره بیداری ملت ایران اشاره شده است؛ بدین ترتیب که از بیداری اول با عنوان بیداری ملت ایران برای سرنگونی نظام شاهنشاهی، از بیداری دوم با عنوان بیداری ملت برای رویارویی با جنگ تحمیلی، و از بیداری سوم که بایستی با هدف تحقق ظرفیت های ملت در راستای پیشرفت و رفاه جامعه محقق گردد؛ با عنوان بیداری اقتصادی، یا به عبارت دیگر جهاد اقتصادی نام برده شده است.

فصل سوم که در راستای تحقق بیداری سوم تدوین گردیده، در باب اصلاحات اقتصادی است. با گذار از بیداری ملت ایران برای سرنگونی نظام شاهنشاهی، و مقابله با جنگ تحمیلی، بیداری سوم برای پیشرفت و رونق اقتصادی آغاز گردیده؛ که ضروریست این حرکت، با اتخاذ اصلاحات اقتصادی بایسته، به صورت جدی پیگیری و محقق شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ملت ایران دو دوره تحولات اقتصادی را پشت سر نهاده است. در دهه اول انقلاب، جهت گیری ساختار اقتصاد کشور، به سوی اقتصاد دولتی بوده و مسئله خودکفایی تبلیغ و تشویق شده است. مشخصه های بارز این دهه، غلبه اقتصاد دولتی و زندگی کوپنی است. پس از پایان جنگ تحمیلی، ضرورت بازسازی ویرانی های جنگ، به اولویت اول کشور مبدل شد، لذا برنامه اول تا سوم توسعه، با هدف اصلاحات اقتصادی، در دوره دوم طراحی و اجرا گردید. در این دوره دولتهای وقت، اقتصاد کشور را به سوی اقتصاد آزاد سوق داده اند. دولت نهم و دهم نیز پیگیر نوعی اصلاحات اقتصادی از نوع دولتی با محوریت عدالت، بوده است.

مولف، الگوهای اقتصادی کشور در دولت های پس از انقلاب را، تحت عنوان اقدامات (زیگزاگی) معرفی نموده است؛ چرا که از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد و سرمایه داری، تغییر فاز داده و سپس به اقتصاد دولتی بازگشته اند. به همین دلیل نیز رهبر انقلاب بر تدوین یک الگوی اقتصادی جامع تاکید نموده اند. مولف در ادامه، تجدیدنظر در گفتمان و ارزشهای انقلاب و روشهای جهادی، و نیز محدود

و کوچک شدن خیمه انقلاب را از انحرافات دولت آقای هاشمی ذکر نموده‌اند. همچنین مماشات و تساهل نسبت به غرب، از اصول حاکم بر دولت‌های آقای هاشمی و خاتمی عنوان شده است. نکته قابل تامل آنست که این تساهل و مماشات، سودی عاید جمهوری اسلامی نکرد؛ بطوریکه عدم الحاق به سازمان تجارت جهانی و تزییقات در مساله هسته ای و سایر تحریم‌ها را در پی داشته است.

فصل چهارم تحت عنوان انقلاب اقتصادی تدوین شده است. ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴، آغاز تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اجرای هدمندی یارانه‌ها، و سیاست‌های سرمایه‌گذاری و آمایش سرزمین، از اهم محورهای این انقلاب برشمرده شده‌اند. تحقق توأمان پیشرفت اقتصادی و عدالت در بعد داخلی، و گسترش نفوذ و ارتباطات ایران با کشورهای منطقه در بعد خارجی، به عنوان هدف سیاستگذاری‌های کشور در آستانه انقلاب جدید معرفی شده است.

نقد و ارزیابی بخش اول:

در فصل سوم این بخش از کتاب که در باب اصلاحات اقتصادی است، به مبانی و الگوی مفهومی اصلاحات اقتصادی دولت آقای هاشمی اشاره نشده است. به نظر می‌رسد مناسب است که اصول حاکم بر ساختار اقتصاد کشور، در طی برنامه اول و دوم توسعه تشریح گردد. استراتژی‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی این دو برنامه تبیین، و نقاط ضعف و قوت آنها بصورت علمی مورد نقد قرار گیرد. در این راستا شایسته است که مبانی اصلاحات اقتصادی برنامه‌های اول و دوم توسعه، علل اتخاذ سیاست‌های تعدیل اقتصادی، نحوه و دلایل جهت‌گیری به سمت اقتصاد آزاد و خصوصی؛ مولفه‌ها و نتایج مثبت و منفی تصمیمات اقتصادی، و دلایل موفقیت و شکست این سیاست‌های اقتصادی تبیین گردد؛ تا امکان جمع‌بندی از نتایج و تبعات اصلاحات اقتصادی این دو برنامه توسعه فراهم آید. به نظر می‌رسد چنانچه ارزیابی اصلاحات اقتصادی این دو برنامه، باتبیین مبانی، چرایی و تشریح سیاست‌های اقتصادی حاکم بر آنها، همراه گردد، خواننده را در درک صحیح مسایل این دوران یاری خواهد نمود.

در زمینه برنامه‌های دوم و سوم نیز به مبانی، تفکرات و الگوهای اقتصادی حاکم بر آنها اشاره نشده است. و این سوال مطرح می‌گردد که آیا اصول حاکم بر برنامه‌های اول تا چهارم توسعه یکسان بوده است؛ یا تفاوت‌های ماهوی میان این برنامه‌ها وجود داشته است؟ درضمن به اصلاحات اقتصادی که در دولت آقای خاتمی انجام شده، اشاره ای نگردیده، و صرفاً به ذکر اصلاحات فرهنگی بسنده شده است.

مناسب است مرتبط با هر یک از برنامه های توسعه، مبانی و تفکرات حاکم بر آن تبیین گردد. همچنین، هیچگونه اشاره ای به اصلاحات اقتصادی دولت نهم و دهم نشده است. شایسته بود برخی از مهمترین اصلاحات و سیاست های اقتصادی برجسته و مهم هر دولت معرفی، و اساس تفکرات اقتصادی دولت ها تحلیل می شد. به عنوان مثال سیاست های تعدیل اقتصادی، سیاست های خصوصی سازی، هدفمندی یارانه ها، بنگاه های زودبازده و سایر طرح های اقتصادی مهم، فارغ از نتایج مثبت و منفی هر برنامه، تحلیل می گردید.

معرفی بخش دوم:

بخش دوم کتاب در سه فصل، به سابقه رویارویی غرب با انقلاب اسلامی، رویارویی سوم و تشکیل مجدد جبهه انقلاب اسلامی در مواجهه با غرب، پرداخته است. در فصل پنجم این بخش، سابقه تاریخی اقدامات متقابل ایران و آمریکا مورد اشاره قرار گرفته است. حمایت از شورش های داخلی، کودتا و ترورهای گروهک های مخالف، از جمله اقداماتی است که دشمن از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، با هدف اخلال در روند تثبیت انقلاب انجام داده است. همچنین ممانعت از نفوذ ایران در منطقه، حمایت از عراق در جنگ علیه ایران، طراحی و اجرای برنامه تحریم های شورای امنیت، تهدیدات نظامی برای جلوگیری از پیشرفت ایران در دستیابی به اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴، و حمایت از حوادث سال ۸۸، از مهمترین محورهای این تقابل تاریخی ذکر شده اند. مولف، تهدیدات موج اول را با هدف ممانعت از استقرار و تثبیت جمهوری اسلامی، موج دوم را تهدید استقلال ایران، و موج سوم را در تقابل با پیشرفت و توسعه همه جانبه ملت ایران معرفی نموده است.

مباحث فصل ششم، عمدتاً حول محور رویارویی سوم و پیش زمینه های این رویارویی جدید است. مولف رویارویی با پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، و به عبارت دیگر، مقابله با حرکت جامعه تمدن ساز را، سومین موج تقابل غرب با ایران اسلامی عنوان می نماید. بدین ترتیب زیر سؤال بردن نهاد ولایت فقیه و ارزش های بنیادین انقلاب، امنیتی کردن فضای سیاسی ایران، خدشه دار ساختن مردمسالاری و آزادی های کشور، و تشجیع افکار عمومی بین المللی علیه ایران در مساله حقوق بشر، را از اقدامات ثانویه غرب در راستای تحقق اهداف اصلی خود، معرفی می نماید. مولف تحریم های اقتصادی جدید علیه ایران را کانون تهدیدات قلمداد نموده؛ و هدف غرب را از این تحریم ها؛ افزایش هزینه مبادلات خارجی ایران، و متعاقب آن افزایش قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی، کاهش حجم واردات به ایران، کاهش تولید داخلی و افزایش بیکاری، و زمینه سازی برای

تحریم‌های بیشتر میداند. براین اساس اهداف غرب را در دو فاز اهداف کوتاه مدت؛ نظیر کمبود کالا، افزایش تورم و بیکاری، و اهداف بلندمدت؛ یعنی ایجاد مانع بر سر راه پیشرفت اقتصادی کشور و ممانعت از مبدل شدن اقتصاد ایران به اقتصاد برتر منطقه معرفی می نماید.

در فصل هفتم به تشکیل مجدد جبهه انقلاب اسلامی پرداخته شده است. مولف در این فصل ضمن مرور سابقه جبهه انقلاب اسلامی؛ علاوه بر جبهه انقلاب اسلامی در سرنگونی رژیم شاه، جبهه دوم انقلاب اسلامی را که تداوم جبهه اول بوده، و نیروهای انقلابی را در جنگ تحمیلی استواری بخشید، معرفی و تبیین می نماید. نگارنده، علت پیروزی انقلاب اسلامی و عدم شکست در جنگ تحمیلی را تشکیل جبهه های انقلابی دانسته؛ و تعمیم و تسری این جبهه را به حوزه سیاست و اقتصاد ضروری می داند. در واقع نظر مولف بر تشکیل جبهه سوم انقلاب در جهت تحقق اهدافی نظیر مقابله با تحریمهای اقتصادی، گسترش نفوذ فرهنگی، علمی و اقتصادی در منطقه؛ بازآفرینی ارزش های انقلابی و اسلامی در میان نسلهای جدید و حمایت از نهضت های اسلامی است. لذا جهت تکوین جبهه سوم انقلاب؛ تشکیل نهادها و سازمان های انقلابی جدید و تلفیق نیروهای انقلابی نسل اول و دوم، با نسل های سوم و چهارم را توصیه می نماید.

نقد و ارزیابی بخش دوم:

علی رغم تایید مطالب این بخش، به نظر می رسد مبانی نظری، راهکارها و الگوی مفهومی جبهه انقلابی سوم، همچنان جای بحث و مذاقه دارد، که نگارنده به تشریح و تبیین آن پرداخته، یا به سرعت از آن ها عبور کرده است. لذا پردازش و تبیین ابعاد، مبانی تئوریک و چگونگی تکوین این جبهه انقلابی که از آن به احیای انقلابی سوم یاد کرده است؛ و نیز پاسخ به این سوال که آیا تشکیل دولت انقلابی می تواند موجبات احیای مجدد جبهه انقلابی سوم را پدیدار سازد، و جایگاه این جبهه در ارکان نظام جمهوری اسلامی چیست؛ ضروریست.

ابهامات فراروی این بحث نیازمند فحص و غور بیشتری است، تا بتوان از مرحله شعار، در راستای عملیاتی کردن مفاهیم، گذار نمود. مطالب این بخش، بیش از آنکه متکفل تبیین مبانی نظری و تئوریک، و الگوی مفهومی، باشد، شعارگونه به نظر می رسد. به همین دلیل در تکمیل این بحث، ضروریست ضمن ارائه تعریف دقیقی از مفهوم جبهه انقلاب سوم، مبانی، اصول، خطوط کلی و نیز جایگاه و الگوی مفهومی جبهه انقلابی تشریح گردد.

معرفی بخش سوم:

در فصل هشتم به تمهیدات راهبردی پیشرفت ملی پرداخته شده است. بدین منظور نگارنده ابتدایه راهکارها و برنامه های اقتصادی در دولت های مختلف اشاره نموده است. راهکار تحولی در دوران آقای موسوی، تحول در مالکیت ذکر گردیده، که در آن اقتصاد دولتی بر خصوصی ترجیح داده شد. مهمترین دستاورد این دوران جلوگیری از تاثیرات جنگ در اقتصاد معیشتی مردم عنوان شده است.

برنامه دولت آقای هاشمی، تحول در زیربنای اقتصادی ذکر گردیده؛ که در قالب ساخت سدها، جاده ها و بزرگراه ها، توسعه کمی دانشگاه ها و سرمایه گذاری در بهره برداری از تولید گاز تبلور یافت. با این حال افزایش تورم و مغفول ماندن مولفه عدالت، و فشار بر معیشت مردم از جمله ایرادات این دوران مطرح شده است.

برنامه دولت آقای خاتمی از نگاه مولف کتاب، تحول سیاسی ذکر گردیده؛ البته جهت گیری اقتصادی دولت آقای هاشمی در این دوران نیز تداوم یافته است. تشکیل حساب ذخیره ارزی، سیاست تعدیل در بازارهای مالی و سرمایه، مالیات ها و مخارج دولت از دیگر راهکارهای اقتصادی دولت عنوان شده است.

برنامه تحولی دولت نهم و دهم، عدالت محور بوده است. مولف، قوت گرفتن اقتصاد دولتی و تلاش برای شکل گیری اقتصاد مردمی و نیز اجرای طرح هدفمندی یارانه ها را از دیگر رهیافت های اقتصادی این دولت عنوان نموده؛ و نیز عدم بهره گیری از درآمدهای سرشار نفتی و تنزل رشد اقتصادی کشور به زیر سه درصد، از نکات منفی در کارنامه اقتصادی دولت وقت، معرفی شده است.

در ادامه مولف کتاب راهکارهای باقی مانده را راهکارهای زیرساختی یا نهادی مبتنی بر ایجاد و توسعه نهادهای علمی، پولی و سرمایه ای، قوانین و مقررات، و مالکیت های فکری و مادی؛ راهکار الگوی پیشرفت و زندگی برپایه کسب و کارها و اقتصاد دانایی محور؛ و راهکار راهبرد بومی پیشرفت ذکر نموده است.

فصل نهم به اهداف و موانع پیشرفت اقتصادی می پردازد. مولف، رفع فقر، بیکاری و عقب ماندگی ها را منوط به ارتقاء سطح رشد اقتصادی به بیش از هشت درصد و توانمندسازی مردم در اداره زندگی میداند. در این راستا تصویب سند چشم انداز، سیاست های کلی اصل ۴۴، طرح هدفمندی یارانه ها و سیاست های آمایش سرزمین در جهت حرکت نرم افزاری، و بسترسازی نظری و قانونی، در راستای تحول اقتصادی در کشور معرفی شده اند. از نظر نگارنده ی کتاب، تحقق سند چشم انداز، نیازمند جهش اقتصادی است، که این امر مستلزم رشد اقتصادی هشت درصدی،

رشد بهره‌وری، اشتغال کامل و مولد، برقراری عدالت، توانمندسازی مردم در سرمایه‌گذاری و تولید، و تشکیل یک واحد اقتصادی قدرتمند در منطقه است. همچنین موانع جهش اقتصادی را در سه بخش موانع داخلی، نظیر عقب ماندگی دوپست ساله ایران در دوران قاجار و پهلوی، مزمین بودن تورم و بیکاری طی پنجاه سال اخیر و وابستگی به اقتصاد نفتی و فروش ثروت ملی؛ و موانع خارجی، نظیر تحریم‌های اقتصادی غرب و عدم عضویت در سازمان جهانی تجارت؛ و موانع فرهنگی، مانند روحیه مصرفی، نگاه منفی به ثروت و سرمایه، تبیین نموده است.

فصل دهم کتاب اوضاع اقتصادی کشور را در دو قسمت (۱) تحولات اقتصادی اخیر کشور، همچون هدفمندی یارانه‌ها، تحریم‌های اقتصادی، رکود اقتصادی، خشکسالی و واردات؛ (۲) برنامه اقتصادی، بصورت خلاصه به تصویر کشیده؛ و در پایان نیز به شکلی اجمالی به حوادث جهان نظیر تحولات خاورمیانه می‌پردازد.

جهاد اقتصادی و ارائه تعاریف مختلف از این مفهوم، به همراه نحوه‌ی حرکت به سوی جهاد اقتصادی و روش‌های مختلف تحقق این امر نیز اهم مطالب فصل یازدهم را شامل می‌شوند.

نقد و ارزیابی بخش سوم:

ضعیفترین قسمت این بخش، فصل دهم آن، یعنی ارائه تصویری از اوضاع اقتصادی کشور است. به نظر می‌رسد ضروریست نگارنده اوضاع اقتصادی کشور را با ارائه اعداد و ارقام برای شاخص‌های کلیدی اقتصادی، به تصویر کشد، و نقاط ضعف و قوت را مورد تحلیل کمی، کیفی و تعلیلی قرار دهد. تبیین اجمالی اهداف و نتایج برنامه‌های توسعه در کشور و تحلیلی همه‌جانبه از برنامه‌ها، ارزشمند و راه‌گشا است.

تبیین حوادث و رخداد‌های مهم اقتصادی جهان نیز نیازمند تکمیل است. مروری بر تحولات اقتصادی درجهان نظیر تحولات شگرف کشورهای آسیای جنوب شرقی، و نیز هند و چین، بحران‌های اقتصادی، افول و ظهور برخی قدرتهای اقتصادی، تجربیات کشورهای موفق، مفید خواهد بود. همچنین نگاهی به چشم انداز تحولات آینده اقتصادی، همچون اقتصاد دانش بنیان و گذر از عصر صنعت به عصر دانش، و رشد شتابان اقتصاد زیست پایه و فناوری‌های زیستی و تغییرات شگرف در مقوله‌های اقتصادی می‌تواند بر غنای این بخش بیافزاید.

معرفی بخش چهارم:

در این بخش راهکارهای اجرایی کردن طرح جهاد اقتصادی، در قالب دو فصل با عناوین اهداف عملیاتی جهاد اقتصادی، و کسب و کارهای انقلابی آورده شده است. فصل دوازدهم کتاب ضمن مروری بر اهداف عملیاتی جهاد اقتصادی نظیر شتاب دادن به پیشرفت کشور و بهبود آشکار زندگی مردم، بازتولید ارزشهای انقلاب، گسترش ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و علمی با ملت های منطقه و جهان اسلام، به ارائه راهکارها می پردازد. مولف ضرورت تغییر در روش اداره کشور و لزوم واسپاری اداره زندگی به مردم، و نیز ضرورت دخالت رهبری در امور کشور با هدف تغییر ساختار مدیریتی و حکومتی، در جهت بسیج حداکثری نخبگان و مردم برای اداره کشور را از جمله راهکارهای جهاد اقتصادی می داند.

در فصل سیزدهم کتاب، به تبیین کسب و کارهای انقلابی پرداخته شده است. بدین منظور جوانان به عنوان پیشگامان کسب و کار انقلابی معرفی شده و دو نوع برنامه اقتصادی و فرهنگی برای تحقق کسب و کار انقلابی پیشنهاد شده است. مولف برنامه اقتصادی پیشگامی را شامل نوآوری و خلاقیت، افزایش استانداردهای محیط کار، ایجاد نظام یادگیری از همدیگر و انجام کار گروهی معرفی می نماید. همچنین در بعد فرهنگی، اهتمام جدی به مساله جهاد اقتصادی، الگو قراردادن زندگی بر پایه آموزه های اسلامی، و کشف و اجرای الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را پیشنهاد نموده، و نیز طرحی را با عنوان طرح ایثار، برای تشویق مردم به پس انداز و سرمایه گذاری تشریح می نماید.

نقد و ارزیابی بخش چهارم:

به نظر می رسد جهت تحقق جهاد اقتصادی، علاوه بر راهکارهای مورد اشاره مولف، راهکارهای عملیاتی بهینه تری نیز قابل طرح است. لزوم تدوین برنامه برای حرکت به سوی اقتصاد مردمی، نهاد سازی و ایجاد تشکل های لازم، و طرحی برای بهبود نظام بهره وری کشور از جمله این اقدامات هستند. از دیگر راهکارها، می توان به ساماندهی و برنامه ریزی جهت بهره گیری اثربخش و کارآمد از تحصیل کردگان و نوآوران، توسعه و تقویت کسب و کارهای کوچک و متوسط و برنامه ریزی برای هدایت نقدینگی موجود به سمت اقتصاد مولد اشاره نمود.

فصل سیزدهم کتاب با عنوان کسب و کارهای انقلابی نیازمند بازنگری اساسی است. اصولاً برنامه های اقتصادی و فرهنگی به عنوان پیش زمینه های تحقق کسب و کارهای انقلابی؛ به شکل اتوپیایی، شعارگونه و گاهی غیر قابل اجرا مطرح شده اند. همچنین به نظر می رسد طرح ایثار نیز طرحی آرمانی است، و احتمال عملیاتی شدن آن چندان روشن و شفاف نیست.

تقویت و توسعه بازارهای مالی و سرمایه ای، راهکاری عملیاتی است که چنانچه طرح توسعه این بازارها بصورت دقیق اجرایی شود، می تواند نقدینگی مردم را بصورت موثر در جهت اقتصاد مولد سوق داده و نقش سوداگری را در اقتصاد کاهش دهد. تجربه تقویت نهادهای و بازارهای مالی، پولی و سرمایه ای، تجربه ای موفق جهت هدایت نقدینگی موجود مردم است، که آرمانی و شعاری نیز نمی باشد.

معرفی بخش پنجم:

این بخش در سه فصل، به ترتیب به تبیین رابطه اقتصاد و فرهنگ، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، و مبانی نظری و تجربی سیاستهای اصل ۴۴ اشاره نموده است. مولف در فصل چهاردهم به توصیف رابطه اقتصاد و فرهنگ پرداخته است، و بر این امر تاکید نموده که همچنانکه ماکس وبر اخلاق پروتستانی را در ظهور نظام سرمایه داری موثر می داند، نظام مقدس اسلام که در آموزه های غنی آن به بحث اهمیت و تقدس کار، کسب رزق حلال، قناعت و دیگر مفاهیم مرتبط با اقتصاد و معیشت، فراوان اشاره شده، عامل بسیار موثری جهت پیشرفت اقتصاد است. از دیدگاه ایشان در راستای تحقق جهاد اقتصادی ضروریست با فرهنگسازی مناسب و بهره گیری از آموزه های غنی اسلام در حوزه اقتصاد، پیشرفت شتابان محقق گردد.

فصل پانزدهم به تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر مبنای جلسه ای که در سال ۸۹ در محضر رهبر انقلاب و با حضور نخبگان کشور برگزار شد، پرداخته است. در فصل شانزدهم به تشریح مبانی نظری و تجربی سیاست های اصل ۴۴، به عنوان یکی از سیاست های محوری تحقق اهداف سند چشم انداز پرداخته؛ و بدین منظور ابتدا مبانی نظری اصل ۴۴ مبتنی بر نظریه اقتصاد سیاسی - اجتماعی تشریح شده و سپس مطالعات تجربی برخی کشورها، که تجربه خصوصی سازی دارند، ذکر شده است.

نقد و ارزیابی بخش پنجم:

مطالب این بخش از انسجام و هماهنگی برخوردار است. تنها انتقاد وارده، عدم بررسی جامع مطالعات موجود در زمینه تجربیات کشورهای موفق و یا ناموفق در امر خصوصی سازی می باشد. لذا مناسب است در ویرایش های بعدی، تجربه کشورها در دو گروه کشورهای موفق و ناموفق در امر خصوصی سازی، بصورت اجمالی تشریح، و موارد قوت و ضعف آنها مطالعه و با اقتصاد کشور بومی سازی شود، تا در نهایت امکان پیشنهاد کاربردی برای حسن اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، به عنوان مبنای اساسی و کلیدی جهاد اقتصادی و چشم انداز بیست ساله نظام فراهم آید.

جمع بندی

مقارن با رهنمودات مقام معظم رهبری در راستای تحقق جهاد اقتصادی، کتاب رویارویی سوم و جهاد اقتصادی، که حاصل تجربیات علمی و اجرایی مولف است؛ تهیه گردیده که مطالب ارزشمندی را به خوانندگان اثر منعکس میسازد. طبیعتاً هر اثری از زوایای مختلف قابل نقد و بررسی است. هدف مقاله حاضر معرفی و ارزیابی انتقادی این اثر ارزشمند است؛ همچنین سعی گردید نظرات و پیشنهادهای برای افزایش غنای مطالب ارائه شود.

به نظر می رسد برخی از فصول کتاب قابلیت جابجایی، یا تکمیل و تصحیح دارند. اصولاً تبیین سیاست ها و اصلاحات اقتصادی دولت های پس از انقلاب و اقدامات آنان، فارغ از درک شرایط و موقعیت خاص هر یک از آن ها، ممکن نیست. شرایط و بازه ی زمانی هر دولت برای انجام اصلاحات اقتصادی متفاوت است. شرایط دوران جنگ تحمیلی با دوران پس از جنگ، قابل مقایسه نیست.

طی سال های اخیر شاهد نوسانات شدید، و افت و خیز قیمت های بین المللی نفت بوده ایم، به گونه ای که قیمت هر بشکه نفت در سال ۱۳۷۷ به شدت کاهش یافت؛ که بازتاب آن کاهش شدید درآمدهای نفتی دولت و منابع ارزی کشور بوده است. در مقابل، طی سال های برنامه چهارم توسعه، درآمدهای ارزی نفت رشد قابل توجهی داشته است. بدیهی است که ساختار اقتصاد و تامین بودجه کشور که عمدتاً وابسته به منابع ارزی حاصل از صدور نفت بوده، بر سیاست ها و اصلاحات اقتصادی تاثیرگذار می باشد. در مجموع تحلیل عملکرد اقتصادی برنامه های توسعه و دولت ها، فارغ از رخدادها و شرایط کشور قابل مقایسه نیست؛ و نمی توان بدون در نظر داشتن این مولفه ها، دو برنامه توسعه را از حیث عملکرد و اصلاحات اقتصادی بایکدیگر مقایسه نمود.

از سوی دیگر جهت افزایش غنای تحلیل ها، می توان از طرح ها و برنامه های کلان و تاثیرگذار اقتصادی که در هر دولت صورت اجرایی یافته، نمایی کلی بدست داد. مولف برای برخی دولت ها به اصلاحات، سیاستها و طرح های کلان اقتصادی اشاره نموده، اما این رویه را برای همه دولت های پس از انقلاب دنبال نکرده است، که این امر را به ذهن خواننده متبادر می نماید که دولتی خاص اصلاحات اقتصادی نداشته است، امری که شاید مقرون به صحت نباشد.

مولفه دیگری که توجه به آن غنای بیشتر بحث را موجب خواهد شد، بدست دادن تحلیل جامعی از اوضاع اقتصادی کشور براساس آمارها و اطلاعات کمی و نیز ارائه تحلیل های کیفی و تحلیلی است. چرا که جهت تحقق جهاد اقتصادی، تبیین شاخص ها و حوزه های کلیدی اقتصاد، و تشریح دقیق و شفاف نقاط ضعف و قوت ضرور است.

همچنین ارائه تحلیلی اجمالی از اوضاع اقتصاد بین الملل و منطقه، و رویدادهای مهم اقتصادی و جهت گیری آینده اقتصاد جهان، بر ارزش و غنای اثر خواهد افزود. چشم انداز آینده تحولات اقتصادی جهان شاهد دگرگونی عمیقی از منظر ظهور قدرت های اقتصادی جدید مانند هند و چین، و نیز از منظر مقولات و تحولات نوین نظیر اقتصاد زیست پایه، فناوری های زیستی و اقتصاد دانش بنیان است. به نظر می رسد نگرشی تحلیلی بر آینده تحولات اقتصاد جهان، بتواند مسیر و جهت گیری اقتصادی کشور را نیز تحت الشعاع قرار دهد.

نقد دیگر وارد بر این اثر، ارائه برخی دیدگاه ها و طرح های جهاد اقتصادی است که به نظر می رسد قابلیت اجرا و عملیاتی شدن ندارند. بدین ترتیب برخی از دیدگاه های ارائه شده جنبه اتوپیایی و شعارگونه دارند. در مقابل این طرح ها، تجربه کشورهای موفق، به عنوان جایگزین های مناسب باید مد نظر قرار گیرند، از جمله تقویت بازار سرمایه، به عنوان جایگزین طرح ایثار و نظایر آن. به نظر می رسد سیاست های کلی اصل ۴۴ مهمترین سیاست کلی برای تحقق اهداف سند چشم انداز و اقتصاد مردم پایه است، که چنانچه دقیق و درست اجرا گردند، راهکاری مفید و تاثیرگذار می باشد؛ اما انحرافات در اجرای این سیاست ها قابل مشاهده است. نکته حایز توجه آنست که تحلیل عملکرد دولت ها و بررسی رخدادهای اقتصادی همواره قابل مناقشه بوده است؛ و مسایل پشت پرده، مانع بیان کامل واقعیت ها می گردد. در مجموع این اثر ارزشمند قابلیت افزایش غنای محتوایی را در ویرایش های بعدی دارد.